

عبدالله محمودی*

a.mahmodi110@yahoo.com

نگاهی اجمالی بر مکتب سامرا

مقدمه

در سال ۱۲۸۱ق. بعد از رحلت شیخ کبیر، مرتضیٰ انصاری، مرجعیت عامّ شیعیان به سیدمحمدحسن شیرازی، ملقب به میرزای شیرازی اوّل رسید. وی به مدت ۳۱ سال، مرجعیت شیعیان را برعهده داشت. او در نیمهٔ شعبان سال ۱۲۹۱ق. بعد از ۱۰ سال مرجعیت در نجف، به قصد زیارت امام حسین -علیه‌السلام- راهی کربلا شد و از همان جا برای زیارت مرقد امامین عسکریین -علیهما‌السلام- به سامرا رفت.

با اینکه هدف میرزای شیرازی از این سفر، جدایی از نجف و سکونت دائم در سامرا بود، هیچ کس را از قصد خود آگاه نکرد؛ به گونه‌ای که بعد از گذشت ماه مبارک رمضان، شاگردان وی هنوز منتظر بازگشتش بودند.

بعد از انتشار خبر سکونت میرزا در سامرا، هزاران نفر از طلاب و استادان حوزهٔ علمیّه نجف، به تدریج عازم سامرا شدند. بدین ترتیب شهر سامرا که تا پیش از این، تنها مکانی برای زائران امامین عسکریین بود، به دلیل حضور زعیم شیعیان، میرزای شیرازی، به حوزه علمیه‌ای بزرگ، متشکل از بزرگان علوم دینی تبدیل شد؛ نوابغی همچون سیدحسن صدر، سیداسماعیل صدر، سیدمحمد کاظم یزدی، سیدمحمد فشارکی اصفهانی، میرزا اسماعیل شیرازی پسرعموی میرزای شیرازی، محقق خراسانی، حاج محمدحسن آل کُبّه و حاج آقا رضا همدانی.

* طلبه سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دانش‌پژوه مرکز آموزش‌های تخصصی فقه

پس از آنکه سامرا اهمیت علمی یافت، طالبان علوم دینی، از هر مکانی برای تحصیل علم به آنجا می‌آمدند. از این رو میرزای شیرازی در آنجا دو مدرسه علمیه به نام «مدرسه‌الامام الشیرازی» بنا کرد.

عمر حوزه سامرا کوتاه بود و از آغاز تا پایان، بیش از ۲۰ سال نشد؛ اما به دلیل حضور فعال استوانه‌های علمی، رویکرد علمی ویژه‌ای در آن شکل گرفت که به مکتب سامرا شهرت دارد. این مکتب در تربیت عالمان و مجتهدان، بسیار موفق بود و افراد بزرگی را به جامعه شیعی تقدیم نمود (انصاری، المکاسب (المحشی) ۱۳۴) در این نوشتار، به صورت کوتاه برخی از ویژگی‌های نظام آموزشی مکتب سامرا را بیان نموده، چند تن از شخصیت‌های برجسته آن را معرفی می‌کنیم.

ویژگی‌های نظام آموزشی مکتب سامرا

۱. ژرفاندیشی و نظریه‌پردازی

سبک آموزشی میرزای شیرازی، بر پایه ژرفاندیشی در مسائل و نظریه‌پردازی، به جای تمرکز بر نقل دیدگاه‌های دیگران بود. اهمیت تفکر در مسائل، نزد میرزا از روش مطالعه او به خوبی روشن است. ایشان در این زمینه می‌گویند، روش من در مطالعه، این است که قلم برمی‌گیرم و آنچه را در ذهن دارم، می‌نویسم؛ سپس درباره آن تفکر می‌کنم. (آقابزرگ طهرانی، میرزای شیرازی ۱۹۰) مکتب سامرا، این رویکرد را در آموزش نیز به کار می‌برد. کلاس‌های درس میرزای شیرازی در سامرا، گاهی سه تا هفت ساعت به درازا می‌انجامید؛ به این دلیل که در آنها، هر مطلب را از همه جهت بررسی می‌کردند و نظر همه را درباره آن جویا می‌شدند.

این روش آموزشی، با ژرف‌نگری در مطالب ارائه شده در کلاس درس، امکان تجزیه و تحلیل و نقد آنها را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز تولید علم و نظریه‌پردازی افراد است.

۲. آموزش همراه با پژوهش

میرزای شیرازی، شاگردان را به جای شرکت مکرر در کلاس، بیشتر به پژوهش و تفکر وامی‌داشت. او در کلاسهای درس خود، به‌ویژه درس اصول فقه، به اختصار سخن می‌گفت و به شاگردان فرصت می‌داد تا دربارهٔ مطالب، تحقیق کنند. از این رو در طول سال، بیش از دو یا سه ماه تدریس نمی‌کرد. میرزا بیان مسائل مهم را برای رسیدن به کمال علمی و فقاہت، کافی می‌دانست و بر این باور بود که فرایند تحصیل افراد، باید به وسیله پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی، تکمیل شود. «بودجه‌ی حوزه سامراء» (۸۱) «صاحب‌الذریعه» در این باره می‌نویسد: «میرزای شیرازی [در هنگام تدریس بعضی کتاب‌های فقه، فقط به مسائل مشکل آنها می‌پرداخت و از بیان مباحث دیگر خودداری می‌کرد. بدین جهت، از درس او، فقط کسی بهره می‌گرفت که با بررسی‌های قبلی در اطراف موضوع، به نظریات و دلایل احاطه پیدا کرده و تنها حل معضلات علمی برایش باقی مانده باشد.» (آقابزرگ طهرانی، میرزای شیرازی ۱۹۰)

۳. اهمیت تقریرنویسی و نگارش

یکی از سنت‌های حوزوی این است که در کلاس درس، شاگردان سخنان استاد را می‌نویسند. این سنت، در «دروس خارج» حوزه معمول است و به آن «تقریرنویسی» می‌گویند. «تقریرنویسی»، در مکتب سامرا متفاوت بود. در این مکتب، پس از تدریس استاد، شاگردان فعال کلاس، درس را برای سایر شاگردان، شرح می‌دادند و تبیین می‌کردند تا مطالب برای همه، کاملاً روشن شوند. سپس گوینده یا شخص دیگری مطالب را می‌نوشت. میرزای شیرازی به این نوشته‌ها بسیار اهمیت می‌داد و نوشته‌های بهتر را در حضور دیگران معرفی می‌کرد. برای نمونه، می‌گویند زمانی که میرزا حبیب‌الله مشهدی، از تقریرنویسان درس میرزای شیرازی، تقریرات خود را به وی عرضه نمود، میرزا آن را بر دیگر تقریرات ترجیح داد و در منبر خود، به آن تصریح نمود. (آقابزرگ طهرانی، نباء البشر ۱: ۳۲) افزون بر تقریرنویسی،

میرزا برای نگارش نیز ارزش فروان قائل بود. او از شاگردان صاحب‌نظرش، در رشته‌های مختلف علوم، درخواست تالیف و تصنیف می‌کرد. (حرز الدین، معارف الرجال ۲: ۱۲۶) یکی از نویسندگان معاصر میرزای شیرازی که همراه پدر برای تحصیل به سامرا رفته بود، در این باره می‌نویسد: میرزا با کمال مهربانی از پدرم خواست تا رساله‌ای در اصول عقاید بنویسد و دست شبیهه و عناد مخالفان را کوتاه نماید. پدرم امر استاد محترم خود را اطاعت کرد و پس از چندی، رساله «ذُرر الفوائد فی اصول العقاید» را نوشت. (دولت آبادی، حیات یحیی ۱: ۷۴)

۴. استادپروری و تقویت شاگردان

در یک کلاس درس، معمولاً استعداد همه شاگردان یکسان نیست. مکتب سامرا به این مسأله توجه داشت و برای حل آن، از روش ویژه‌ای بهره می‌برد. در سامرا، برای آماده‌سازی افراد و استفاده همه از کلاس درس، نخست، شاگردان بارز میرزا همچون محمدتقی شیرازی، سیدمحمد فشارکی و آخوند خراسانی با تشریح مباحث، به تقویت دیگر شاگردان می‌پرداختند؛ سپس همگی (شاگرد و استاد)، در درس میرزا حاضر می‌شدند.

یکی از کسانی که میرزای شیرازی افراد را به او ارجاع می‌داد، آخوند خراسانی بود. می‌گویند: او شاگردان متوسط خود را تشویق می‌کرد که از محضر «آخوند» بیاموزند. (کفایی، مرگی در نور ۷۰) از آثار مهم این روش، می‌توان به تربیت مدرّس برای حوزه‌ها و تقویت شاگردان اشاره کرد. («بودجه‌ی حوزه سامراء» ۸۷)

شخصیت‌های بارز مکتب سامرا

آقابزرگ تهرانی، شاگردان مکتب میرزا که به تحصیل و تحقیق مشغول بودند را افزون بر سیصد و هفتاد نفر دانسته است. از بین آنها شخصیت‌های برجسته زیر را نام می‌بریم.

۱. سیدمحمدتقی شیرازی

آقابزرگ تهرانی، درباره او می‌نویسد: میرزا محمدتقی حائری شیرازی، پیشوای انقلاب عراق و نخستین برافروزنده شعله آن شورش و جنبش، از بزرگترین عالمان و مجتهدان عصر خود بود. او یکی از مشهورترین چهره‌های شناخته شده در علم و تقوی و غیرت و شهامت دینی بود. وی با هم‌مباحثه خود سیدمحمد فشارکی اصفهانی، همراه نخستین دسته از مهاجران، به سامرا رفت و به محضر درس میرزای شیرازی پیوست. سپس در شمار برترین شاگردان حوزه درس میرزای شیرازی درآمد. سیدمحمدتقی شیرازی به دلیل شایستگی و فضل و دانش خود، پس از رحلت میرزای شیرازی، جانشین او و مرجع تقلید شیعیان شد.

۲. آیت‌الله سیدمحمد فشارکی اصفهانی

وی از نخستین شاگردان میرزای شیرازی در نجف اشرف بود. او پیش از شرکت در درس میرزا از محضر فاضل اردکانی بهره می‌برد. پس از مهاجرت میرزا به سامرا، در سال ۱۲۹۱ ق. سیدمحمد فشارکی نیز به آن دیار هجرت کرد. از وی تقریرات درس اصول میرزا بر جای مانده است. (عاملی، اعیان الشیعه ۳۰۸:۵)

۳. آخوند مولی علی روزدري

او پس از استفاده از محضر شیخ انصاری، در حوزه درس میرزای شیرازی شرکت کرد. وی به نمایندگی از میرزا به تبریز اعزام گردید. تقریرات اصول او، مورد تحسین و تقدیر استاد قرار گرفت. (آقابزرگ تهرانی، الذریعه ۲۰۳:۴)

۴. شیخ عبدالکریم حائری

شیخ عبدالکریم در سنین جوانی با عزمی راسخ و شوقی غالب برای فراگیری بیشتر علوم

اسلامی، یزد را به مقصد عتبات مقدسه ترک گفته، راهی سامرا شد. در آن دیار، سال‌های بسیار، از محضر اساتید نامداری همچون میرزای شیرازی اول، سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزای شیرازی دوم، که از علمای بزرگ و سرشناس آن زمان بودند، توشه‌های فراوان گرفت. پس از وفات میرزای شیرازی اول، شیخ عبدالکریم به همراه استادش آیت‌الله فشارکی به نجف هجرت کرد.

۵. میرزای نائینی

او در سال ۱۳۰۳ ق. از ایران راهی عراق شد تا از محضر اساتید برجسته آن دوران، کسب فیض نماید. میرزای نائینی در سامرا اقامت گزید و پس از شرکت در درس میرزای شیرازی از شاگردان برجسته وی به شمار آمد؛ به گونه‌ای که در اواخر عمر میرزا، کاتب و «محرّر» او شد. وی را از مشاوران میرزای شیرازی در ماجرای نهضت تنباکو دانسته‌اند. (نائینی، تنبیه الامه ۱۲)

۶. علامه سید حسن صدر کاظمی

وی نویسنده کتاب «تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام» است. او در سال ۱۲۹۷ ق. برای کسب دانش به سامرا مهاجرت کرد و تا پایان عمر میرزای شیرازی، در آن شهر زیست و از محضر او بهره برد. علامه سید حسن صدر از کسانی بود که درس میرزا را برای شاگردان تشریح می‌کردند. (آقابزرگ طهرانی، میرزای شیرازی ۴۱)

۷. شیخ حسنعلی تهرانی مشهدی

او پیش از شروع درس میرزای شیرازی، فرازهایی از نهج البلاغه را قرائت می‌کرد. علاوه بر شرکت در درس میرزا، برای برخی از طلاب نیز تدریس می‌کرد. همچنین گاه به جای میرزا، نماز جماعت اقامه می‌نمود. وی مردی «دائم المراقبة»، زاهد و «کثیرالبکاء» بود. (آقابزرگ طهرانی، نقباء البشر ۱: ۴۵۵؛ عاملی، اعیان الشیعه ۵: ۳۰۸)

۸. آیت‌الله حاج‌آقارضا همدانی

آیت‌الله همدانی از مراجع تقلید و دانشمندان بزرگ شیعه بود. او در میان شاگردان میرزا، از نبوغ ویژه‌ای برخوردار بود و جزء کامل‌ترین شاگردان او به شمار می‌رفت. وی در زهد و تقوا بی‌نظیر بود. کتاب «مصباح الفقیه» و «کتاب البیع» (تقریرات درس میرزا)، از آثار برجای مانده او هستند. (آقابرگ تهرانی، الذریعه ۴: ۳۷۶-۳۷۷؛ آقابرگ تهرانی، نقباء البشر ۱: ۷۷۸)

۹. شیخ عبدالله زنجانی

او فرزند آخوند مولی‌احمد، نویسنده کتاب «تسهیل الوصول الی علم الاصول» است. وی از محضر بزرگانی همچون شیخ زین العابدین مازندارنی، سیدحسن کوه‌کمری و شیخ محمدآل یاسین بهره برد و به مراتب بالای علمی رسید. شیخ عبدالله زنجانی، زمانی که به زادگاهش، زنجان، مراجعت کرد، به مقام مرجعیت دست یافت. با این حال پیش از سال ۱۳۰۰ ق. از مقام و موقعیت خویش کناره گرفت و برای استفاده از محضر میرزای شیرازی رهسپار سامرا شد. او تقریرات درس فقه میرزا را نوشته است. (آقابرگ تهرانی، نقباء البشر ۱: ۱۱۹۲)

۱۰. شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله از نخستین شاگردان میرزای شیرازی و بزرگان آنها بود. می‌گویند، میرزا به او علاقه فراوان داشته و درباره وی گفته است: «میان من و شیخ فضل‌الله ضدیتی نیست. ایشان خود من و نفس من است.» (لنکرانی، خاطرات مستر همفر) تقریرات درس اصول میرزا (بحث مشتق) نوشته این شهید در سال ۱۳۰۵ ق. در تهران چاپ شده است. (آقابرگ تهرانی، الذریعه ۴: ۳۷۲)

فهرست منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی (ترجمه) میرزا شیرازی: ترجمه هدیه الرازی الی الامام المبرر الشیرازی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۲. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری. کتاب المکاسب (المحسّی). چاپ ۱، ۱۷ جلد، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۳. بی نام. «بودجه حوزه سامراء». مجله حوزه، ش ۵۰-۵۱، قم، ۱۳۷۱ هـ. ش
۴. کفایی، عبدالحسین مجید مرگی در نور (زندگی آخوند خراسانی). تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۹ هـ. ش.
۵. یزدی، عبد الکریم حائری. کتاب الصلاة (للحائری). چاپ ۱، ۱ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۶. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن. طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر). مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸ هـ. ش.
۷. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: موسسه اسماعیلیان.
۸. امین، محسن. اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۹. حرزالدین، محمد. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ۱۴۰۵ هـ. ق.
۱۰. دولت آبادی، یحیی. حیات یحیی. تهران: عطار، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۱۱. نائینی، محمدحسین. تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ هـ. ش).
۱۲. هامفری. لُنکرانی، حسین، کاظمی، علی (ترجمه). خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی. [بی جا]: [بی نا].